

دکتر محمدیان معاون وزیر و رییس
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



صدور مجوز کتاب از وظایف آموزش و پرورش نیست



● مرتضی نصیری

اشاره

در میان مشغله‌های فراوان معاون وزیر، بالاخره توانستیم برای گفت‌وگو با ایشان یک ساعت وقت دست و پا کنیم. دکتر محمدیان در میان انبوهی از کاغذ و کتاب نشست‌ه بود و مطالعه می‌کرد. چند دقیقه‌ای منتظر ماندیم تا ایشان پای میز گفت‌وگو با ما بنشیند.

صحبت با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با تحلیلهای مختلف درباره چرایی انتشار کتابهای آموزشی و بحث درباره علل گرایش جامعه به سمت و سوی این کتابها همراه بود. محمدیان از فضای «رفاقت» آموزش و پرورش با ناشران خصوصی گفت و تأکید داشت که این فضا هیچ‌گاه شکل «رقابت» به خود نخواهد گرفت.

وی سازمان پژوهش را نهادی سیاست‌گذار و الگوساز می‌داند و تأکید دارد که پس از مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش درخصوص سامان‌دهی آئین‌نامه ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها)، بازار پرتنش این حوزه سامان بهتری خواهد یافت.

شماره ۳۸۹

۶

تابستان و پائیز ۱۳۸۹

■ آقای محمدیان! سازمان شما که به این اندازه در خصوص چاپ و نشر کتابهای آموزشی و کمک‌آموزشی حساسیت دارد، چرا طرحی مبنی بر تنفیذ اختیار به آموزش و پرورش برای صدور مجوز پیش از چاپ کتابهای آموزشی به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» ارائه نمی‌دهد تا این اختیار از وزارت ارشاد سلب- در حوزه کتابهای آموزشی صرفاً- و به آموزش و پرورش واگذار شود؟
□ تا به حال احساس نیاز نشده است.

ما باید فضای
اطلاع‌رسانی خوبی فراهم
کنیم که کتابهای سره از
ناسره تشخیص داده شوند و
در نهایت، مشتری کتابهای
آموزشی با اطمینان به سراغ
این دست کتابها برود

■ اگر احساس نیاز نشده، چرا جشنواره کتابهای آموزشی رشد برگزار می‌شود؟ آیا بهتر نیست به جای برگزاری جشنواره، ساز و کاری در وزارت آموزش و پرورش اندیشیده شود تا به کتابهایی که استانداردهای لازم را دارند، مجوز داده شود و بالعکس؟!
□

عهدہ‌دار صدور مجوز کتاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و آموزش و پرورش تاکنون خود را راساً متولی انجام این کار بر حسب وظایف از پیش تعیین شده نمی‌دانسته است. این جزو وظایف ذاتی آموزش و پرورش نیست.

به نظر هم نمی‌رسیده که چرخه تولید کتاب کمک آموزشی یا فضای مراکز آموزش غیررسمی به قدری وسعت پیدا کند و فعالیت‌هایی شکل بگیرد که در آن گردش مالی بالا و سوسه‌انگیز شود. معمولاً نگاه دست‌اندرکاران تولید کتاب، چه درسی چه غیر درسی، اعم از سیاست‌گذاران و آنهایی که در این زمینه فعالیت داشته‌اند، نگاه خدمت فرهنگی بوده است. دهه‌های قبل شاید چنین بوده که کسی از تألیف کتاب سودی نمی‌برده است. ما مؤلفان بسیاری داشته‌ایم که حجم سرمایه‌گذاری آنها با میزان بازگشت مالی سر به سر بوده است؛ اگر ضرر نکرده باشند! اما اخیراً با این پدیده مواجه هستیم که برخی از ناشران، با وجود زمینه و بستر مساعد فرهنگی، به دنبال فعالیت‌های تجاری هستند. وقتی چیزی تجاری شد، مسائل عرضه و تقاضا و بازاریابی آن هم شکل می‌گیرند. اما در این سرمایه‌گذاریه‌ها، متأسفانه استانداردها رعایت نمی‌شوند و بدون سرمایه‌گذاری روی کارهای پژوهشی، تنها به بازده بیشتر مالی فکر می‌کنند. حداقل، بیش از سود بانکی، منفعت عاید آنها شود.

حالا که این بازار آشفته ایجاد شده است، باید برای افراد سودجو موانع قانونی ایجاد کرد. یا به تعبیری، شاخصها و نسایبهای قانونی را مشخص کرد. در عین حال باید از افرادی که کار را با صحت و سلامت انجام می‌دهند، قدردانی کرد. جشنواره سامان بخشی کتابهای آموزشی رشد در سال‌های قبل که سرمایه‌گذاری در کار کتاب چنین سودآوری نداشت، می‌کوشید که دیگران را برای کمک به آموزش و پرورش در چاپ کتابهای آموزشی ترغیب کند. در عین حال با شناسایی کتابهای خوب، و معرفی و قدردانی از مولفان و ناشرانی که در این زمینه کارهای برجسته‌ای انجام داده بودند، سعی کرده است ناشران را تشویق و مخاطبان را در انتخاب کتاب کمک کند. امروز

این قسمت آخر ضرورت بیشتری پیدا کرده است. ما باید فضای اطلاع‌رسانی خوبی فراهم کنیم که کتابهای سره از ناسره تشخیص داده شوند و در نهایت، مشتری کتابهای آموزشی با اطمینان به سراغ این دست کتابها برود.

■ برای مشخص کردن سره از ناسره باید نظارت داشت. این نظارت را شما چگونه تفسیر می‌کنید؟ باید نظارت پیش از چاپ باشد یا پس از چاپ یا شما نظارت دیگری مد نظر دارید؟

□ منظور از نظارت ایجاد بهداشت فکری و بهداشت روانی است تا مخاطب با اطمینان خاطر بتواند کتاب تهیه کند. از این جهت ضرورت دارد که ما جشنواره را رونق دهیم تا به این هدف برسیم. اما از جهت سیاستهای منعی و سلی، و جلوگیری از چاپ کتاب، ما صلاحیت این کار را در وزارت ارشاد می‌بینیم که قانون او را عهده‌دار انجام این کار کرده است.

اگر کتابی استانداردهای لازم را نداشته باشد، مانع حضور آن در فضاهای آموزشی می‌شویم و یقیناً آنها را به عنوان کتابهای غیرمفید معرفی خواهیم کرد

■ هیچ وقت هم نخواسته‌اید که این اعمال ممیزی در آموزش و پرورش اتفاق بیفتد؟
□ نخیر.

■ چرا؟

□ چون در وظایف ذاتی ما نیست. اگر هم بخواهیم انجام دهیم، سازمان و دفاتر خاص خود را طلب می‌کند که این سازمان و دفاتر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موجود است.

■ وزارت ارشاد کارشناسهای خود را دارد با زمینه فکری خاص خودشان که جدا از دغدغه‌های شما است.

□ می‌توان تعاملی برقرار کرد. ما اگر بخواهیم سازمان جدیدی ایجاد کنیم، به این مفهوم است که سازمان قدیمی را به رسمیت نمی‌شناسیم. در حالی که این طور نیست. ما فکر می‌کنیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این حوزه صاحب صلاحیت است. اما نسبت به این موضوع که دغدغه‌آفرین شده است باید بخش ویژه‌تری فعال شود. مثلاً در «سازمان قضایی کشور» هرگاه پدیده جدیدی اتفاق می‌افتاد، شعبه خاصی برای آن به وجود می‌آید؛ سازمان قضایی دیگری تشکیل نمی‌شود. تا به حال کتابهای آموزشی و کمک آموزشی با این شمارگان منتشر نمی‌شدند، اما هم‌اکنون شاهد آن هستیم و چون جنس موضوع «کتاب» است، باید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی زمینه‌های لازم را ایجاد کند و اگر ضرورت دارد، از استانداردهای آموزشی بهره گیرند. یقیناً سازمان پژوهش و وزارت آموزش و پرورش می‌تواند این تعامل را برقرار کند.

■ این تعامل تاکنون وجود داشته است؟

□ تاکنون وزارت ارشاد در کمیته‌های انتخاب کتاب، از نظارت کارشناسی صاحب‌نظران آموزشی هم استفاده کرده است. ولی به نظر می‌رسد که این موضوع باید حالت رسمی‌تری به خود بگیرد. اگر زمانی دستگاه‌های سیاست‌گذار بالادستی، مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضرورت بدانند که وزارت آموزش و پرورش مجوز چاپ کتابهای آموزشی و کمک آموزشی را پیش از چاپ صادر کند، باید ساز و کار متناسب با آن فراهم شود تا بتوانیم این مأموریت را انجام دهیم. به اعتقاد من، هدف‌گذاریهای صورت گرفته برای معرفی کتابهای خوب، تاکنون کفایت می‌کرده است، اما بنا بر ضرورت، زاویه دیگری را هم پیش روی خود گشوده‌ایم. به این مفهوم که اگر کتابی استانداردهای لازم را نداشته باشد، مانع حضور آن در فضاهای آموزشی می‌شویم و یقیناً آنها را به عنوان کتابهای غیرمفید معرفی خواهیم کرد. از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم انتظار می‌رود که نسبت به این موضوع حساسیت بیشتری به خرج بدهد. و حتی برای آموزشگاهها دقت بیشتری داشته باشند.

■ کارشناسان آنها معتقدند که وزارت آموزش و پرورش خود به ترویج این گونه کتابها با توجه به نظام آموزشی که دارد دامن می‌زند. نظر شما چیست؟

□ سیاستهای غلط آموزشی و یا سیاستهایی که به غلط ترویج می‌شوند، شاید زمینه‌ساز باشند. گاهی از یک اثر خوب هم زمینه سوءاستفاده فراهم می‌شود. بله، زمانی ظرفیت دانشگاه‌های ما کم بود و ما ناگزیر بودیم برای این که دانشگاه از خیل مشتاقان دانشجو بپذیرد، آزمون سراسری برپا کنیم. نام این ابزار «کنکور» است. کنکور هم ابزاری به نام تست را به خدمت گرفته است تا بتواند دست به انتخاب بزند. در سالهای اول، کسی به این فکر نبود که تستها را چگونه باید زد. ولی چند سالی که می‌گذرد، انسانها فعال می‌شوند که چگونه تست بزنیم. گروهی هم فعال می‌شوند که چگونه به تست‌زنی دیگران کمک کنیم. همین پایه‌ای می‌شود برای ایجاد مهارت در تست‌زنی و برای آن دکان و مغازه هم راه می‌اندازند.

وقتی در آزمون سراسری، نتیجه سنجش دانش نباشد، بلکه ورود به دانشگاه ملاک باشد، همه به دنبال این هستند که هم‌چون مسابقه فوتبال در لیگ برتر، نتیجه‌گرا باشند. در کنکور هم همه خانواده به دنبال نتیجه هستند. می‌گویند: سواد بالای تو وقتی که مدرک دانشگاهی نداری، به چه دردی می‌خورد؟ حالا این مدرک را چگونه باید گرفت؟ می‌باید کتاب تست خرید. گاهی حتی مدرک فروشی هم رواج پیدا می‌کند. این به دلیل سیاستهای نادرست و یا استفاده غلط از سیاستهای آموزشی است. خوب راه چاره چیست؟ فکر می‌کنم که باید ارزش‌یابیها را کیفی، تکوینی و توصیفی کنیم. شاید یکی از راهکارها این باشد که به جای برپایی مسابقه‌ای این چنینی، نمره‌های کلاسی ملاک باشند. ولی نهایتاً برای پایان دادن به این مقوله به یک روش مؤثر نیاز است؛ آن هم این که به درس خواندن نگاه تربیتی و فرهنگی داشته باشیم. اگر چنین باشد، اینها خود به خود حذف

می‌شوند. در غیر این صورت افتخار ما تنها داشتن یک ورق کاغذ است. در حالی که اگر فرهنگی و تربیتی باشد، آن وقت آدم‌هایی عزیز خواهند بود که فهم و سواد دارند.

■ این اتفاق می‌افتد؟

□ چرا نباید بیفتد؟! تا به حال در سنت مرضیه فرهنگی ما بوده است. متأسفانه از زمانی که دولت مدرن با آموزش و پرورش جدید به کشور وارد شد، این ناهنجاریها شکل گرفت. می‌گویند زمانی که وزارت معارف بنیان نهاده شد، یکی از علمای آن زمان در مسجد سپه‌سالار مجلس ختم برپا کرد. نامی از متوفا نبود، اما امضای صاحب مجلس که آن شخص عالم بود همه را به مجلس کشاند. در آن جا بود که اعلام کرد: «مات العلم». فوت علم را به مردم تسلیت می‌گوید! بعد تشریح می‌کند که از این پس کسی عالم است که این کاغذ را داشته باشد. پس علم مرد! اگر نظامی حاکم شود که کتاب‌خواندن در آن ملاک تشخیص باشد و نه داشتن مدرک، این مشکلات حذف می‌شود.

■ نقش خانواده در این زمینه چیست؟

□ نقش خانواده از هر شخص و گروه دیگری پررنگ‌تر است. ببینید اگر شما و من از فرزندانمان پرسیدیم که امروز از معلم چه سؤال‌های کردی و برای سؤال کردن ارزش قائل باشیم، نه این که بپرسیم امروز چندتا ۲۰ گرفتی، این در آینده می‌تواند موجبات نگاه عمیق علمی را در دانش‌آموز فعال کند. در گذشته هم این چنین بود که شاگردی پیش استاد منزلت داشت که بیشتر سؤال کند. سؤال بیشتر یعنی کنکاش روی یک مسئله و رسیدن به چرایی که ارزشمند است.

■ آقای دکتر درباره مصوبه‌ای که اخیراً در شورای عالی آموزش و پرورش طرح و تصویب شده است، صحبت کنید. بفرمایید که چگونه قصد استانداردها را دارید و در نهایت این که آیا به ورطه سلیقه‌گرایی نخواهید افتاد؟

□ مصوبه از دل جشنواره بیرون آمد. یعنی بعد از ۱۰ سال برگزاری این جشنواره و روبه‌رو شدن با حجم عظیمی از تولیدات آموزشی و کمک آموزشی، به نظر رسید که باید یک منشأ قانونی داشته باشیم و از یک مرجع قانونی حکمی را بگیریم که این نظارت ما نظارت استصوابی نباشد، بلکه الزام‌آور باشد. به این دلیل، این مصوبه رأی آورد و ان‌شالله که به همین زودیها از سوی جناب آقای رییس‌جمهور برای اجرا توشیح و ابلاغ شود.

■ استانداردها را چه کسی تعیین می‌کند؟ داوران جشنواره این کار را خواهند کرد یا گروه خاصی در جای مشخصی آیین‌نامه و ضوابط استاندارد کتابهای آموزشی را تنظیم خواهند کرد؟

□ داوران ما داورانی هستند که سابقه فرهنگی و علمی دارند. یعنی هم آموزش و پرورش را می‌شناسند و به برنامه‌درسی اشراف دارند و هم به لحاظ فرهنگی می‌دانند که اولویتهای ما کدام‌اند. این داوران در بخشهای گوناگون، گروه داورى جشنواره را تشکیل می‌دهند. گروه داوران طی چند دوره برگزاری جشنواره، معیارهایی را تصویب کرده‌اند که در داورى جشنواره به عنوان قانون اعلام شده است. پس این خط کش وجود دارد. حالا خط کش را چگونه بخوانیم که سلیقه‌ای خوانده نشود، مانده است به آن معیارهایی که مصوب خواهند شد. اگر این استانداردها و معیارها قابل اندازه‌گیری و شناسایی باشند، استحکام بیشتری دارند. اما اگر قابل تفسیر باشند، یقیناً سلیقه در اعمال آنها دخالت خواهد داشت. البته باید دانست که در حوزه فرهنگ هیچ وقت نمی‌شود گفت آن چه را که من پسندیدم، شما هم باید پسندید. اما حتی اگر نگاه سلیقه‌ای هم تا حدودی حاکم شود، ما صد در صد می‌توانیم مطمئن باشیم آن کتابی که مهر استاندارد دارد، غیر علمی نیست. بنابراین مخاطب انتخاب سالم‌تر و راحت‌تری خواهد داشت.

گروه

داوران طی چند دوره برگزاری جشنواره، معیارهایی را تصویب کرده‌اند که در داورى جشنواره به عنوان قانون اعلام شده است. پس این خط کش وجود دارد. حالا خط کش را چگونه بخوانیم که سلیقه‌ای خوانده نشود، مانده است به آن معیارهایی که مصوب خواهند شد

■ برای اجرای این کار چه فضایی را پیش‌بینی کرده‌اید؟ آیا دفتری با عنوان «دفتر

استانداردسازی» متولد خواهد شد؟ یا در یکی از بخشهای موجود این کار انجام می‌شود؟

□ نوع ابلاغ مصوبه در آماده‌شدن ما برای اجرای آن تأثیرگذار خواهد بود. هم اکنون ما دو حوزه استاندارد داریم: یکی در بخش کتاب که همین جشنواره است و دیگری در خصوص وسایل کمک آموزشی. آن جا هم دفتری به عنوان دفتر استاندارد داریم. برای مثال، اگر کسی بخواهد وسیله آزمایشگاهی به مدارس بفروشد، باید تأییدیه استاندارد بودن محصولات او وجود داشته باشد. در معاونت فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزشی چنین دفتری وجود دارد. «دفتر انتشارات کمک آموزشی» هم در معاونت ما با برگزاری جشنواره کتاب رشد، عملاً به توصیه آثار مطلوب به مخاطبان دست می‌زند که در آینده با اجرایی شدن این مصوبه، ما منع خرید و تجهیز هم خواهیم داشت. ما تا به حال کتاب مقبول داشته‌ایم، اما از این به بعد مردود خواهیم داشت.

■ چرا وزارت آموزش و پرورش خود به تولید کتابهای پرمحتوا در این حوزه اقدام

نمی‌کند؟

□ ما سیاست‌گذار و متولی آموزش رسمی هستیم، آموزش غیررسمی به عهده ما نیست. از سوی دیگر قصد داریم، آن چه را که بعد حاکمیتی ندارد، به بخش خصوصی واگذار کنیم. ما اگر هم در مواردی دخالت می‌کنیم، برای نمونه‌سازی است. مثلاً ما به انتشار مجله دست می‌زنیم، چرا؟ چون بخش خصوصی راغب به انجام این کار نیست. می‌گوید بازگشت سرمایه ندارد. بنابراین ما این کار

را انجام می‌دهیم. در مورد کتابهای کمک آموزشی هم ما سه مرکز تولید کتاب داریم: نشر تربیت؛ نشر مدرسه؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. این گروه برای نمونه‌سازی هستند تا ناشر خصوصی هم متوجه شود که ما تمایل داریم، چه نوع کتابی را تولید شود و از چه نوع کتابی حمایت می‌کنیم. بعضی از ناشران موفق در حوزه کودک و نوجوان هم، سابقه حضور در وزارت آموزش و پرورش را دارند؛ یعنی از تجربه این‌جا در بخش خصوصی بهره برده‌اند.

■ بررسیها نشان می‌دهند که در سال گذشته به ازای هر تعداد کتاب درسی تقریباً ۹ عنوان کتاب غیردرسی تولید شده است (چاپ اول و مجدد). آموزش و پرورش یک هزار عنوان کتاب درسی دارد و بنابراین ۹ هزار عنوان کتاب کمک درسی تولید شده است. به نظر می‌رسد که ساز و کار تک کتابی در نظام آموزش و پرورش باید کنار رود و بسته آموزشی جای‌گزین شود؟ نظر شما چیست؟

□ استحضار دارید که از سالهای قبل، شعار برنامه درسی را به جای کتاب

درسی مطرح کرده‌ایم. امسال چند قدمی برداشته‌ایم، اما امیدوارم این قدمها بیشتر

شوند. ما وقتی می‌گوییم که بسته آموزشی، مرادمان این است که در کنار کتاب درسی باید

آثار دیگری هم وجود داشته باشند که مخاطب با خواندن همه آنها به فهم کامل برسد. قبل از کتاب درسی باید

راهنمای برنامه درسی باشد. در کنار برنامه درسی باید راهنمای معلم باشد. همراه کتاب درسی باید کتاب کار

باشد. در کنار کتاب آموزشی باید کتابهای الکترونیکی یا چندرسانه‌ای باشند. در کنار کتاب درسی مجله آموزشی و

کمک آموزشی باشد. در کنار کتاب درسی برخی از تجهیزات آموزشی را باید ارائه دهیم.

این چرخه هنوز معیوب است و همه موارد وجود ندارند. اما سیاست ما این است که به این سمت

برویم. ما در برنامه درسی ملی هم همین سمت و سو را پیش گرفته‌ایم و برای این کار حوزه‌های

یادگیری را متنوع خواهیم کرد. ما ۱۱ حوزه یادگیری را در برنامه درسی ملی پیش‌بینی کرده‌ایم؛ مثل

«تفکر و حکمت» که قصد دارد فکر کردن را بیاموزد، یا «آداب و مهارتهای زندگی و آداب اجتماعی».

نکته دوم که در برنامه درسی ملی به دنبال تغییر آن هستیم این است که محیطهای یادگیری هم متنوع

شوند. محیط کنونی ما محدود است به کلاس درس! قصد داریم دانش‌آموز را از کلاس درس بیرون

بریم. صدف کلاس درس شکافته بشود تا گوهر وجودی دانش‌آموز بیرون بیاید.

■ شما به نکته‌ای اشاره کردید که سؤال بعدی من بود. ما در برخورد با ناشران دریافتیم

که آنها مبتنی بر تحلیل خود به چاپ و نشر دست می‌زنند. اگر ناشران بر اساس راهنمای

برنامه درسی، مواد آموزشی گوناگونی را تولید کنند، نتیجه بهتری خواهیم گرفت.

قبل

از کتاب درسی باید راهنمای برنامه درسی باشد. در کنار برنامه درسی باید راهنمای معلم باشد. همراه کتاب درسی باید کتاب کار باشد. در کنار کتاب آموزشی باید کتابهای الکترونیکی یا چندرسانه‌ای باشند. در کنار کتاب درسی مجله آموزشی و کمک آموزشی باشد. در کنار کتاب درسی برخی از تجهیزات آموزشی را باید ارائه دهیم

□ کاملاً درست است. ما راهنمای برنامه درسی نداشتیم. از سال ۱۳۷۵ به این طرف ما یک سند مادر آموزش و پرورش نداشتیم. کتابهای درسی ما هم که راهنمای برنامه دارند، همه مصوب نبوده‌اند. ما الان دنبال این هستیم که همراه با برنامه درسی ملی، راهنمای آموزشی هم تصویب شود. بنابراین، برنامه درسی ملی برخی از فعالیتهای ما را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از جمله این که محیط آموزشی ما از مدرسه بزرگ‌تر و کل جامعه را شامل می‌شود. محیطهای مجازی را هم در بر می‌گیرد. این اتفاقات الزامات جدیدی را برای آموزش و پرورش ایجاد می‌کنند. زیرساختها تغییر می‌یابند و غیره. بنابراین ما نیازمند ناشر و مؤلف غیر آموزش و پرورش هستیم که به فرایند آموزش کمک کند.

این که کتابهای متنوع و متعدد داشته باشیم، بد نیست. بلکه در بعضی گروههای درسی کتاب آموزشی زیاد است. چرا؟ چون احساس می‌شود اگر کسی علوم ریاضی را خوب بداند، مهندس می‌شود. همین‌طور ادامه دارد تا کنکور که تمرکز روی کتابهایی است که ضریب بالاتری دارند. اینها باعث می‌شوند که تولید محتوا انجام نشود؛ چون در این آثار نگاه تسهیل‌گرایانه حاکم است، نه تعمیق‌بخش و تکمیل‌گر! خیلی مشتاق هستم همکاران عزیزی که کتاب آموزشی تولید می‌کنند، نگاه خود را صرفاً به تسهیل‌سازی معطوف نکنند و به کمال‌بخشی هم فکر کنند. به علاوه پیشنهاد می‌کنم که روشهای غیرمستقیم آموزش را هم تجربه کنند. منظور این است که کتابهای آموزشی به موازات کتابهای درسی پیش بروند، ولی نه این که صرفاً همان تعریفها را ارائه دهند. آیا نمی‌شود شکست نور را در یک داستان نشان داد؟ آیا نمی‌شود متن نمایشی نوشت که یک موضوع سنگین تاریخی را تشریح کند؟ متأسفانه حضور برخی افراد که صرفاً به دنبال صرفه اقتصادی هستند، باعث شده است که این نوع نگاهها کمتر ظهور پیدا کنند.

■ **بررسی‌های ما نشان می‌دهند، مرجعیت معلم برای انتخاب کتاب توسط دانش‌آموزان و والدین بیشتر است. به نظر می‌رسد که ضروری است، معلمان برای معرفی کتاب به دانش‌آموزان آموزش ببینند تا با دید بازتری این کار را انجام دهند.**

□ خوش‌حالم که در این حوزه مرجعیت معلم هنوز اقتدار خود را دارد، چون در بعضی از حوزه‌ها مخدوش شده است. بر همین اساس در برنامه تربیت معلم کتابی را تدریس می‌کنیم تحت عنوان «مدیریت فرهنگی - تربیتی» که یکی از بحثهای مورد آموزش در آن، تشریح مجموعه‌های آموزشی و از آن جمله کتاب است. هم‌چنین، درسی را پیش‌بینی کرده‌ایم که خیلی امیدوار بودم، امسال در برنامه درسی ملی ارائه شود، به نام «نقد رسانه». ابتدا نقد فیلم و کتاب نام داشت، اما در نهایت به نقد رسانه تغییر نام یافت. فن انتخاب کتاب خود به یادگیری نیاز دارد. خواندن کتاب هم به آموزش و یادگیری فونوی احتیاج دارد که در این درس به آنها اشاره شده است.

■ **سپاسگزارم.**